

گلوبالیزاسیون ، حاکمان تازه جهان !

خلاصه ای از کتاب جان زیگلر

منبع : سایت الجزیره ترجمه : احمد مزارعی

تاکنون کتابها و مقالات فراوانی در مورد گلوبالیزاسیون، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و از همه مهمتر سازمان تجارت جهانی به رشته تحریر درآمده که هر کدام عمیقانه جوانبی از این سازمانهای جهانی را مورد بررسی قرار داده اند، اما کتاب تازه "جان زیگلر" با عنوان "حاکمان تازه جهان" با دید دیگری به موضوع مینگرد. در این کتاب تاریخ گلوبالیزاسیون و سایر سازمانهای جهانی، نقش آنان در برآورده ساختن مصالح و منافع صاحبان و مالکان اصلی و قدرتمند این موسسات در بازار جهانی، مورد بحث قرار گرفته است. در این کتاب همچنین از نقش جامعه مدنی در عرصه بین المللی و مبارزه آنان علیه گلوبالیزاسیون و بویژه سازمان تجارت جهانی به درستی یاد شده است.

ناراجگران

"کمیته کار ملی" سازمانی است که وظیفه اش تحقیق در مورد اجرت ها و قیاس آنان در کشور است. این کمیته بویژه در مورد شرکتهای بزرگ و بین المللی تخصص ویژه ای دارد. در یکی از گزارشات این کمیته چنین گفته میشود: "رئیس یک شرکت تولید لباس و پیژاما برای کودکان به نام "میشال آیزنر" که در "هائیتی" مشغول به کار است، حقوقی معادل ده هزار برابر کارگر بومی این شرکت دریافت میدارد. کارگر بومی کشور "هائیتی" حقوقی معادل کمتر از یک دلار دریافت میدارد. این شرکت در عین حال وابسته به کمپانی بزرگ "والت دیزنی" در آمریکا است. همین شرکت چندی پیش مشغول ساختن فیلمی بود که سگها در آن نقش فراوانی داشتند. این سگها در همان کشور "هائیتی" در محلی نگهداری و مراقبت میشدند. وضع عمومی معیشتی این سگها به مراتب بهتر از کارگران بومی بود که از این سگها مراقبت میکردند. در حالی که کارگران بومی در کشور خود از داشتن مسکن مناسب، خوراک و پوشاک و تهویه مناسب محروم بودند، اما سگها در "ناز و نعمت" به سر میبردند.

این مثالی از صدها نمونه ای است که ما به علت حاکمیت "سازمان تجارت جهانی" در همه جای جهان شاهد آنیم. گلوبالیزاسیون و سازمان تجارت جهانی، ثروت فاحش و فقر نابودکننده را به طور مستمر باز تولید مینماید. از نظر مولف کتاب "داروینیس" اجتماعی هیچگونه توجهی نسبت به جوامع فقزرده و میلیونها انسان فقیر نداشته و هیچ موجبی و مکانی برای اخلاقیات در این رابطه اجتماعی وجود ندارد.

در سال 1997 یکی از مدیران شرکت "ایستمن کداک" تصمیم گرفت شرکت خود را تعطیل کند. این تصمیم موجب بیکار شدن چند ده هزار تن از کارکنان و کارگران شرکت کداک گردید. در نمونه دیگری، "سانفورد رویال" رئیس "Travels" تصمیم میگیرد این شرکت را با کمپانی دیگری به نام "Citicorp" ادغام نماید. ادغام این دو شرکت موجب بیکاری ده ها هزار کارکنان این دو شرکت میشود. مدیر این شرکت مبلغ 230 میلیون دلار سود به جیب میزند.

این غارتگری و حیف و میل صاحبان شرکتهای جهانی فقط شامل حال میلیونها انسان کارگر و زحمتکش نشده، بلکه در مواردی در مورد خود این شرکتهای نیز به نوعی اعمال میگردد. برای مثال، رئیس شرکت هواپیمایی کشور سوئد، در ضمن قرارداد خود در شرکت شروپی را میگذارد که اگر موسسه به علت سوء مدیریت دچار ورشکستگی شد، مدیر و اطرافیان وی نباید زیان ببینند. آقای "ماريو کورتی" رئیس شرکت هواپیمایی سوئد پس از ورشکستگی این شرکت مبلغ دوازده و نیم میلیون دلار برای خدمات پنج سال آخر خود مزایا دریافت داشت. این نشان میدهد که این آقای رئیس که چنان شرایطی را به هنگام عقد قرارداد با شرکت میگذارد، از پیش از ورشکست شدن شرکت آگاهی داشته است. این بند و بست ها و حیف و میل اموال شرکت در حالی انجام میگردد که هزاران نفر از کارکنان این شرکت از تمام حقوق و مزایای بازنشستگی خود محروم مانده اند؛ مزایایی که نتیجه سالهای سال کار آنان بوده است.

بنابراین نوشته مجله "لوموند" در نتیجه ادغام دهها شرکت بزرگ، میلیونها انسان کار خود را از دست داده اند، و این در حالی بوده که از نظر اقتصادی نیاز به ادغام این شرکتهای نبوده است. تنها به علت عظمت طلبی و در نظر گرفتن مصالح شخصی مدیران این شرکتهای، این فجایع به بار آمده است. زیان حاصله از این ادغامهای غیرضروری مبلغی نزدیک به هفتصد و بیست میلیارد دلار بوده است.

رئیس شرکت "انرون" که یکی از ده شرکت بزرگ آمریکایی است که مخارج انتخاباتی جورج بوش را در انتخابات اخیرش تامین کردند، پس از ورشکست شدن مبلغی در حدود دویست و پنج میلیون دلار کمک از دولت دریافت داشت. این شرکت پس از انتخاب جورج بوش در قراردادهای نفتی بسیاری در سراسر جهان به طور ناروشنی برنده گردید. ورشکستگی بعدی این شرکت نیز نتیجه زد و بندهای سیاسی و نامعلوم و در جهت غارت دسترنج دهها هزار نفر کارگرانی بود که پس انداز خود را در این شرکت برای دوران پیری به ودیعه گذاشته بودند.

مزدوران

قصد مولف کتاب از "مزدوران" ستونهای اصلی است که گلوبالیزاسیون بر آنها استوار است. این ستونها عبارتند از: سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی.

"سازمان تجارت جهانی" رونق دهنده اصلی بازرگانی بین کشورهای جهان است. این سازمان میکوشد تا قراردادهای بازرگانی را میان کشورها تنظیم نماید. اما باید گفت که اگرچه این سازمان میکوشد که خود را تشکیلاتی صرفا بازرگانی بنماید، اما در عمل و نتیجه چنین نیست. این سازمان از قدرت زیادی در امر قضاوت و تحکم برخوردار است.

در درون سازمان تجارت جهانی تاکنون دولت آمریکا بیشترین شکایات را علیه خود داشته و پنجاه مورد آن از طرف سازمان تجارت جهانی مورد قضاوت قرار گرفته است.

قراردادهایی که میان سازمان تجارت جهانی و کشورهای جهان منعقد می‌گردد بسیار پیچیده و در موارد بسیاری بدبینانه است. شروط و مواد این قرارداد طوری است که میشود تفسیرهای گوناگونی از آن داشت به طوری که بسیاری کشورها در حالی که قراردادهای و مقابله نامه های سازمان تجارت جهانی را امضا میکنند، به درستی مفهوم قراردادهای را نمیدانند و پس از مدتی خود را در اسارت و سلطه شرکتهای چند ملیتی میبینند.

در گزارش مربوط به حقوق بشر سازمان ملل در سال دو هزار تحت عنوان "بحث اساسی پیرامون تجارت و استثمار بین المللی" چنین آمده است: "سازمان تجارت جهانی W.T.O به طور کامل زیر نفوذ شرکتهای بزرگ چند ملیتی و بین المللی است." به نظر میرسد که اجرای برنامه های سازمان تجارت جهانی رعب انگیز است. گزارش صادرات و واردات این سازمان حقیقت قضایا را بروز نمیدهد. قطعه فرش فاخر و گرانبهائی که در "شانزه لیزه" پاریس به معرض فروش گذاشته میشود و محصول کشور پاکستان میباشد، به دست کودکان زیر پانزده سال به اجرت بسیار ناچیز بافته شده که چشمان خود را نیز از دست داده اند.

بانک جهانی وامهای خود را از طریق چند موسسه زیرنفوذ همچون، بانک جهانی بازسازی و توسعه، مجموعه توسعه بین المللی، شرکت مالی بین المللی وکلای چند جانبه ای که مسئولیت سرمایه گذاری را به عهده دارند، در اختیار کشورها قرار میدهد. بانک جهانی سلطه قدرتمند و نامحدودی را داراست. این بانک تصمیم میگیرد که به چه کشوری و با چه شرایطی و برای چه نوع تولیداتی وام بپردازد. بانک جهانی در روابط مالی خود با وامداران مقررات بسیار سختگیرانه ای دارد. در هنگام عقد قرارداد از هرگونه شرایط سیاسی پرهیز نموده و مقررات براساس "توافق واشنگتن" انجام میگیرد.

بانک جهانی گزارشی سالانه نیز از فعالیتهای خود و اوضاع جهانی منتشر مینماید که مورد احترام و اعتماد موسسات دانشگاهی و تحقیقاتی قرار میگیرد. اما در سالهای اخیر این گزارشات ناموفق بوده است. زیرا بانک در فعالیتهای خود همیشه جوانب صرفه اقتصادی را در نظر میگیرد. این بانک در زمینه های توسعه انسانی، حقوق بشر و خدمات انسانی کارنامه خوبی نداشته و به همین علت مورد انتقاد "باشگاه رم" در ایتالیا قرار گرفته است. به این علت بانک جهانی اخیرا شیوه گزارش دهی خود را تغییر داده و بخشها نیز به مسائل انسانی و اجتماعی پرداخته است. اکنون گزارشات خود را تحت عنوان "توسعه اقتصادی و اجتماعی" منتشر مینماید. در سال 2002 رئیس بانک جهانی در سازمان ملل حضور یافت و به برخی پرسشها پاسخ گفت. وی در برابر این پرسش قرار گرفت که آیا کمکهای مالی که برای توسعه در اختیار کشورها قرار میگیرد، در اختیار فقیران قرار داده میشود یا نه؟ و آیا این وامها تغییری در زندگی محرومان جوامع ایجاد مینماید؟ پاسخ وی این بود که نمیدانند. از این زمان بانک برنامه ای را برای مبارزه با "فساد" در دستور کار خود قرار داد.

در درون صندوق بین المللی پول از يك نوع "دموکراسی" ویژه نیز پیروی میشود. در میان یکصد و هشتاد و سه عضو این سازمان هر کس براساس مقدار سهم خود در سرمایه گذاری حق رای دارد. در این میان دولت آمریکا به تنهایی هفده درصد آرا را به خود اختصاص میدهد.

میشود گفت که صندوق بین المللی نقش يك نیروی آتش نشان را در جامعه جهانی بازی میکند. ولی باید گفت که حتی این ارگان آتش نشان در مواقع بسیاری به وظیفه خود به درستی عمل نکرده و نتوانسته آتش برافروخته را خاموش و از سوخته شدن اعضا جلوگیری. نمونه بارز آن حریق عظیمی که در آمریکای لاتین افتاد و آرزوتین در این میان کاملا سوخت.

ظهور نیروی تازه در جامعه جهانی

در مقابل گلوبالیزاسیون، بانک تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول که اهدافی جز غارتگری و حیف و میل اموال عمومی و تخریب محیط زیست در جهت اغراض سودپرستانه خود ندارند، نیروهای تازه ای به منصف ظهور رسیده که سرسختانه در اینجا و آنجا علیه این تجاوزات آشکار به مبارزه برمیخیزد. در سال 2001 نزدیک به سیصد هزار نفر که از طرف يك هزار اتحادیه سندیکا و سازمانهای اجتماعی نمایندگی و متعلق به 82 کشور جهان بودند، در شهر "جنوا" در ایتالیا و در اعتراض به اجلاس سران G8 گرد آمدند. در سال 2002 جمعیتی بیش از ششصد هزار نفر به نمایندگی از يك هزار اتحادیه و سندیکا و پنج قاره جهان در برزیل گرد آمده و مانع از آن شدند تا سران سازمان تجارت جهانی و . . . بتوانند مصوبه های ظالمانه خود را علیه میلیاردها انسان در سراسر جهان به تصویب رسانند.

این نیروهای تازه که به تازگی و برای دفاع از زندگی انسانی سربرآورده چیست و از چه سازمانها و ارگانهایی تشکیل شده است؟ تشکیلات تازه از گروهها و جمعیت های گوناگونی به وجود آمده که به برخی از آنان اشاره میشود: سازمانهای کارگری، اتحادیه ها و سندیکاهای، جنبش های کشاورزان، سازمانهای زنان، جمعیتهای محلی و شهروندان مختلف همچون سرخ پوستان، ارگانهای غیرانتفاعی "NGO"، سازمان غیردولتی "اتاگ" که هدفش مبارزه با نوع مالیاتهایی است که به زیان شهروندان فقیر است، سازمانهای مذهبی مسیحی که هدفشان لغو بدهیهای کشورهای فقیر است، این سازمانهای مسیحی موفق شده اند تا هفده میلیون امضاء برای خواسته خود از شهروندان سراسر جهان گرد آورند، سازمان فقیران در تایلند که نیم میلیون کشاورز را دربرمیگیرد، شبکه گسترده جهان سوم در مالزی که از سازمانهای متعدد مبارزاتی تشکیل میشود، به اضافه سازمانهای تخصصی دیگری مربوط به کودکان، تغذیه و کمک رسانی جهانی، همچنین بسیاری سازمانهای بین المللی و منطقه ای که مستقیما با این گروهها همکاری ندارند، ولی از خواسته های اینان غیرمستقیم دفاع میکنند همچون سازمان عفو بین الملل.